فصلنامه علمی
پژوهش های انقلاب اسلامی

OPEN ACCESS

بررسی تطبیقی مفهوم توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای

محمد علی نظری [۱]، سید محمدرضا محمودپناهی [۲]

دوره ۱۵ ، شماره ۳، پیاپی ۵۸
پاییز ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۳-۱۱-۳۱
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۵-۰۵-۱۷
صص: ۴۲-۲۳

شاپا چاپی: ۲۳۲۲-۲۵۷۳

چکیده:

یکی از دغدغه‌های نظام‌های سیاسی و جریان‌های فکری در ایران در طول دویست سال گذشته تفکر، برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و عمل برای دست‌یابی به توسعه و پیشرفت سیاسی بوده است،شکل‌گیری دو مفهوم توسعه و پیشرفت سیاسی در ایران حاصل تضارب آراء و شرایط سیاسی و اجتماعی است، توسعه و پیشرفت در پاسخ به عقب‌افتادگی ایران از سایر ملل در دوران قاجار مطرح شد، در دوران پهلوی ادامه یافت، انقلاب اسلامی پاسخی به عدم توسعه و پیشرفت در ایران بود. ادبیات آکادمیک علم سیاست در ایران تمایزی میان توسعه و پیشرفت قائل نیست، اما آیت‌الله خامنه‌ای توسعه سیاسی را مفهومی غربی و پیشرفت سیاسی را مفهومی بومی دانسته است، آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر انقلاب و مفسر اصلی قانون اساسی در این زمینه دارای دیدگاه خاص است، این مقاله سعی دارد به وسیله چارچوب مفهومی ساختارو کارگزار به این سوال پاسخ دهد، که دو مفهوم توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی با تاکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه قوام یافته است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، توسعه مفهومی غربی و تحت تاثیر مبانی مدرنیته و پیشرفت مفهومی بومی و تحت تاثیر مبانی ارزشی داخلی است که با حمایت و خوانش خاص برخی از کارگزاران حکومتی و غیرحکومتی در اثر شرایط سیاسی ، اجتماعی داخلی و خارجی قوام یافته است.

واژگان کلیدی:

آیت‌الله خامنه‌ای، توسعه، پیشرفت، قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی

۱: استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران m.a.nazary@iau.ac.ir
۲: استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه:

توسعه دارای بار سیاسی متعارف غربی است، اما پیشرفت واژه بومی است و دارای بار معنای مخصوص است، مانند به کار بردن واژه استکبار به‌جای امپریالیسم در ادبیات انقلاب اسلامی[1].توسعه سیاسی، به‌منزله فرا گردی شامل نوسازی در نظام سیاسی و ملت‌سازی است. هیدی اهداف توسعه سیاسی را دموکراسی، برابری، ثبات، مشروعیت، مشارکت، بسیج، نهادی کردن، قابلیت، نفوذ، توزیع، همبستگی، عقلانی کردن، امنیت، رفاه، عدالت، آزادی دانسته (لمکو، ۱۳۷۶: ۵۴) و هانتینگتون این مفهوم را آفرینش نهادهای سیاسی دارای ویژگی‌های نظیر پیچیدگی، استقلال و انسجام برای جذب و تنظیم مشارکت گروه‌های جدید و ترویج تغییر اجتماعی و اقتصادی در جامعه و مسئله اساسی سیاست دانسته (امین زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۰) و پای این مفهوم را بر اساس تقویت ارزش‌ها و سنت‌های دموکراتیک و مترادف نوسازی تجهیز توده مردم برای مشارکت دانسته است (قوام،۱۳۷۱:۱۱).

آیت‌الله خامنه‌ای پیشرفت سیاسی را بر اساس مبانی فلسفی خاصی دانسته که در شرایط سیاسی و اجتماعی قوام می‌یابد، پیشرفت سیاسی شامل مؤلفه‌هایی نظیر پاسخگویی و نظارت، عدالت محوری، شایسته‌سالاری، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و اعتقادی، معنویت و اخلاق محوری، جامعه تحول‌خواه وجود احزاب و سازمان غیردولتی و نظام سیاسی کارآمد باهدف دست‌یابی به حیات طیبه تعریف کرده است[2]. این مقاله سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که دو مفهوم توسعه و پیشرفت در دوران قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای چگونه قوام‌یافته است؟

روش پژوهش:

۱- پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر رویکرد، کیفی است و با استفاده از روش توصیفی ـــ تحلیلی و مقایسه تاریخی انجام می‌شود .داده‌های پژوهش به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای، از طریق بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی، اسناد تاریخی و سیاسی و آثار مرتبط با تحولات سیاسی ایران در دوره‌های قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی گردآوری شده‌اند .همچنین، برای تبیین دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره مفهوم پیشرفت سیاسی، بیانات و آثار منتشرشده ایشان بررسی شده‌اند .در تحلیل اسناد، اعتبار، ارتباط موضوعی و قابلیت استفاده منابع برای مقایسه تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد .(Bowen, ۲۰۰۹, pp. ۲۷–٤۰)

در مرحله تحلیل، ابتدا ساختارهای سیاسی و کنشگران مؤثر در هر دوره شناسایی شده و سپس تعامل میان ساختارها و کارگزاران در شکل‌گیری برداشت‌های متفاوت از توسعه و پیشرفت سیاسی بررسی می‌شود .برای مقایسه سه دوره تاریخی، معیارهایی همچون مبانی مشروعیت سیاسی، ساختار قدرت، مشارکت سیاسی، عدالت، آزادی و نقش دین و هویت ملی به کار گرفته می‌شوند .چارچوب نظری ساختار ــ کارگزار نیز با تکیه بر دیدگاه گیدنز، مبنای تحلیل تأثیر متقابل ساختارهای اجتماعی و سیاسی و کنشگران در تحولات تاریخی قرار می‌گیرد .(Giddens, ۱۹۸٤, pp. ۱–٤۰)

---

۱ آیت الله خامنه ای، سخرانی، نشست اندیشه های راهبردی، ۱۳۸۹/۹/۱۰).

۲ رجوع شود به مقاله پیشرفت سیاسی از دیدگاه آیت الله خامنه ای، میراحمدی منصور، نظری محمدعلی، فصلنامه پژوهش های انقلاب اسلامی ۱۴۰۱، شماره بهار

چارچوب مفهومی (ساختار و کارگزار)

اندیشه در خلأ شکل نمی‌گیرد بلکه شرایط سیاسی و اجتماعی بر آن اثر می‌گذارد. تطور توسعه و پیشرفت سیاسی در ایران حاصل تضارب آرا طیف‌های فکری گوناگون و شرایط داخلی و خارجی بوده است. بیرو[1] نظام فکری و جهان‌بینی ساخت‌گرا را بر اساس واقعیت مادی و انسانی در حد مجموعه‌ای از روابط و مناسبات شناخته است(بیرو، ۱۳۸۰: ۴۰۹)، هرچند بر مفهوم ساخت اجتماعی توافق چندانی وجود ندارد (خوزه[2]، ۱۳۸۵:۹)؛ اما ساختارگرایی در واکنش به دید غیرعلمی نسبت به علوم انسانی پدید آمد(علمداری،۱۳۸۵: ۱۰۵). به عقیده اسکاچپول یک دیدگاه ساختارگرا بر روابط عینی و منازعات میان گروه‌ها و ملت‌هایی که در موقعیت‌های متفاوتی قرار دارند معنادهنده و تعیین‌کننده همه اقدامات مردم است (گلدستون،۱۳۸۷: ۱۲۰). ساختارگرایی به‌طور عام، عبارت از به‌کارگیری انگارهٔ ساختار در تحقیق، به‌عنوان موضوع اصلی موردمطالعه، با این تعبیر، امکان امتزاج مفهوم ساختار با عوامل غیر ساختاری، بازتابی و ذهنی امکان‌پذیر خواهد بود (علمداری، ۱۳۸۵: ۱۲۳). درنتیجه فکر وجود یک ساختار یا منطق شالوده‌ای به ما این امکان را می‌دهد که مصالح خود را به شیوه‌ای منظم سازمان‌دهی و طبقه‌بندی کنیم (کرایب،۱۳۸۵: ۱۸۲).

اراده‌گرایی در مقابل ساختارگرایی قرار دارد. اراده‌گرایی تبیینی خودی یا از داخل است که برنهادهای اجتماعی، کارگزاری انسانی و بافت غنی تعاملات اجتماعی و سیاسی تمرکز دارد. اراده‌گرایی ساختارها را به‌مثابه محصول کنش ارادی تصور می‌کند (مارش،۱۳۸۸: ۳۱۲). در اراده‌گرایی نه ساختارها و بعضی از قطعات گسترده تاریخ، بلکه این ایده‌ها و بازیگران هستند که نیروهای اصلی در فرایندهای انقلابی بشمار می‌روند.(گلدستون،۱۳۸۷: ۱۲۰).

گیدنز[3] در نظریه ساخت‌یابی با توجه به ناکارآمدی‌های روش‌شناسانه دو نظریه فوق (ساختارگرایی- اراده‌گرایی) درصدد است، بر دوگانه‌انگاری ساختار/کارگزار فائق آید و نظریه‌ای جامع‌تر ارائه کند. از دیدگاه وی، ساختارهای اجتماعی ساخته کارگزاری انسان هستند و درعین‌حال، ابزار وسیله این ساخت نیز هستند. (حقیقت،۱۳۸۸: ۴۵۰).ازاین‌رو آنچه تحلیل اجتماعی و سیاسی را از علوم طبیعی متمایز می‌کند، تولنایی کنشگران برای شکل دادن به محیط است، درواقع کنشگران هستند(های،۱۳۸۴: ۴۰۷) و ساختار و کارگزار منطقاً مستلزم یکدیگرند (مارش،۱۳۸۸: ۳۰۵). در کلام شیعی نیز حالتی بینابین نسبت به جبر و اختیار دارد (حقیقت،۱۳۸۸: ۴۵۱).

برای تبیین مفهوم توسعه و پیشرفت در سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی ساختارها به دودسته داخلی و خارجی و کارگزاران به دودسته کارگزاران توسعه و کارگزاران پیشرفت تقسیم‌شده است، در ساخت خارجی تأثیر فضای بین‌الملل و در ساخت داخلی تأثیر فضای داخل بر تطور مفهوم توسعه و پیشرفت بیان‌شده است، کارگزاران با توجه به مبانی، مؤلفه‌ها و عملکرد به ددودسته کارگزاران توسعه و کارگزاران پیشرفت تقسیم‌شده است.

۱- Allen Bearo
۲ - khose
۳- Anthony Giddens

پیشینه پژوهش

با توجه به موضوع مقاله بررسی تطبیقی مفهوم توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای«، پیشینه پژوهش را می‌توان در محورهای زیر بررسی کرد :نخست، پژوهش‌های مربوط به نظریه پیشرفت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای؛ دوم، آثار نظری مرتبط با رابطه ساختارهای سیاسی و کنشگران است.

شباهت‌ها و تفاوت‌های پژوهش‌های پیشین با مقاله حاضر

بررسی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که مفهوم پیشرفت سیاسی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای از ابعاد مختلفی، از جمله مبانی فلسفی، فرایند تحقق و موانع پیشرفت، بررسی شده است . با وجود این، وجه متمایز مقاله حاضر، مقایسه تاریخی و تبیین رابطه میان ساختارها و کارگزاران در تحول مفاهیم توسعه و پیشرفت سیاسی طی سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی است .در این مقاله، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نه صرفاً به‌عنوان موضوعی مستقل، بلکه به‌عنوان یکی از مبانی فهم مفهوم پیشرفت سیاسی در دوره جمهوری اسلامی و مقایسه آن با برداشت‌های پیشین بررسی می‌شود .از این رو، نوآوری مقاله را باید در ترکیب رویکرد تطبیقی تاریخی با چارچوب ساختار ـ کارگزار جست‌وجو کرد.

الف: توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران قاجار

الف-۱-۱- ساخت داخلی و مفهوم توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران قاجار

ستیزهای غیر طبقاتی، اختلاف‌های قومی، زبانی، منطقه‌ای، مذهبی، رقابت بر سر منابع کمیاب مانند آب و مرتع و... یکپارچگی طبقاتی را از بین برد (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۴۴). از سویی رواج اندیشه‌هایی چون جبریگری اشاعره، بدعت در دین؛ عدم پیروی از عقل، دوری از روش سلف صالح، لذت طلبی توده‌های مردم، از دست رفتن غیرت دینی؛ تفرقه و جدایی مسلمین از یکدیگر؛ بی‌توجهی علما به مسؤولیت‌های خود و... موجب رکود فکری و تحول‌خواهی در جامعه ایران شد. مسئله ایرانیان دوره رسیدن به‌نوعی تعادل روحی و فرهنگی میان هویت یگانه تاریخی‌مان و ارزش و ساختارهای جهان جدید بوده است (میر سپاسی، ۱۴۰۰: ۱۴).

قاجار در ابتدا سعی داشت که سنت شیعی صفویه را ادامه دهد با در دوران محمدشاه با تکثر عقیدتی روبه رو شد(نجف زاده، علی پور،۱۴۰۴: ۸۵۲). تا پیش از مشروطه استبداد سیاسی در ساخت سیاسی و نظام ارباب-رعیتی در ساخت اجتماعی حاکم بود، این ساخت قدرت در نظام سیاسی و اجتماعی مطلقه بود و هیچ شانسی برای دیگری وجود نداشت، ازاین‌رو مفهوم و پیشرفت سیاسی لااقل تا دوران منتهی به مشروطه در ایران به‌عنوان یک مطالبه عمومی تبدیل نشد. هرچند تا پیش از مشروطه افراد و جریان‌هایی با مطالبه توسعه و پیشرفت در ایران شکل گرفت. دوران قاجار وابسته بودیم. یعنی قبل از دوران شکوفائی استعمار که امثال ناصرالدین شاه حکومت میکردند، در همان وقت هم متأسفانه ما زیر سلطه بودیم. خوب، این حالت استبداد و دیکتاتوری که آزادی را از مردم می گیرد[1].

۱ بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران۱۳/۱۱/۳۸۸

دوران قاجار، در آن دورانی که همه دنیا چهار اسبِ به سمت پیروزی و به سمت پیشرفت و تمدّن و نوسازی مادّی می‌رفت، کشور ما را در حال بدبختی نگهداشته‌اند و به چیزهایی که برای یک ملت سمّ است، سرگرم کردند[1] از اواخر سلطنت ناصرالدین‌شاه – مبارزه با دین و تلاش برای منزوی کردن دین هم شروع شد.[2] در سال‌های پایانی حکومت قاجار جنبش تحول‌خواه مشروطه باهدف اجرای شریعت، مردم‌سالاری، دولت ملی نیرومند و نوسازی پیروز شد، هرچند عدم توفیق رهبران مشروطه در آشتی بین اهداف مختلف موجب افتادن نظام سیاسی در تله بنیان‌گذار شد (فیرحی، ۱۳۹۰: ۴۰۷). در این دوران دو گروه اصلی دموکرات‌ها یا عامیون به‌عنوان نماینده تفکر توسعه و اعتدالیون به نماینده تفکر پیشرفت مطرح شدند (دلیر پور، ۱۳۹۰: ۲۰۱). رقابت درباریان و شاهزادگان، منافع گروه‌های ذی‌نفوذ و موانع فرهنگی (نصری، ۱۳۸۶: ۳۴). فساد حاکم بر جامعه و شخص پادشاه و اطرافیان (مجدالملک، بی‌تا رساله مجدیه: ۲۸). نظام اداری، عالمان بی‌عمل، زمامداران دنیاطلب، فرنگ‌رفتگان (همان: ۹۰) مانع هرگونه به سرانجام رسیدن جنبش‌های اصلاحی در این دوران است.

الف- ۱-۲- ساخت خارجی و توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران قاجار

از اواسط دوران قاجار یک بیماری دیگری هم اضافه شد و آن، سلطه‌ی خارجی و نفوذ خارجی و استعمار خارجی بود.[3] از اواخر دوران قاجار به‌تدریج وابستگی به اقتصاد و سیاست‌های جهانی و دولت‌های بیگانه با دادن امتیازات پی‌درپی به خارجی‌ها – که به زیان ملت ایران بود – شروع شد[4]حاکمیت قاجار هم‌زمان باقدرت طلبی روس و انگلیس در ایران است، اعمال‌نفوذ روس و انگلیس برای جلوگیری از تبدیل ایران به قدرتی منطقه‌ای بود. دستگاه قاجاری به واسطه ی سلاحهای پیشرفته‌ی روسها تو دهنی محکمی خورد[5] ایران در این دوره جولانگاه استعمار سیاسی و اقتصادی قدرت‌های بزرگ بود و در اثر قراردادهای گلستان، ترکمانچای، آخال، پاریس و گلداسمیت قسمت‌های عظیمی از خاک ایران واگذار شد دستگاه قاجاری به واسطه ی سلاحهای پیشرفته‌ی روسها تو دهنی محکمی خورد[6] و قراردادهای استعماری تنباکو بانک شاهی زمینهٔ حضور اقتصادی انگلستان در ایران را فراهم آورد، ازاین‌رو ایران تبدیل به کشوری نیمه مستعمره و فاقد توانایی اعمال حاکمیت بلامنازع در خاک خود و به‌منزله‌ی اولین خط دفاعی و سرزمین حائل میان هندوستان و دولت‌های رقیب شد (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۱۹۶) بعد از شکست در حادثه‌ی جنگ ایران و روس – در زمان قاجار - و بسته شدن عهدنامه‌ی ترکمانچای، تا دورانی طولانی، ملت ایران که هیچ، حتی شخصیت‌های ایران احساس ضعف و خودباختگی می‌کردند[7] در این دوران سیاستهای بیگانه بر کشور تحمیل می شود و استبداد و وابستگی مانع پیشرفت است[8]. ساخت خارجی استعماری همراه با ساخت استبدادی

۱بیانات در دیدار جمعی از روحانیون۲۳/۰۹/۳۷۷

۲ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب۲۴/۰۹/۳۷۲

۳ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی۲۹/۱۱/۳۹۶

۴بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان زنجان۲۲/۰۷/۳۸۲

۵ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان۱۸/۰۸/۳۸۵

۶ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان۱۸/۰۸/۳۸۵

۷ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم۲۹/۰۷/۳۷۱

۸ بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران۱۳/۱۱/۳۸۸

داخلی هرگونه بارقه توسعه و پیشرفت در ایران را خاموش می‌کرد، با شعله‌ور شدن مشروطه و افزایش اعتراضات مردمی روس‌ها رویکرد سلبی و مقابله با جنبش مشروطه را پیش گرفتند که در سیاست حمایت از محمدعلی شاه قاجار به توپ بستن مجلس جلوه کرد[1].

الف-۲-۱- کارگزاران پیشرفت سیاسی در دوران قاجار

اولین اقدامات برای دست‌یابی به پیشرفت در دوران قاجار از سوی کارگزاران حکومتی صورت گرفت، عباس میرزا و قائم‌مقام برای اصلاح امور جامعه دست به یک سلسله اقدامات نظیر آموزش قشون و نوسازی ارتش ... و جایگزین ساختن افراد شایسته به‌جای وابستگان فاسد درباری و ترجمه برخی از کتب اروپایی کردند (نصری، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۴). افرادی نیز خارج از ساخت قدرت به دنبال پیشرفت حرکت‌های اصلاحی را انجام دادند، سید جمال‌الدین اسدآبادی به‌عنوان یکی از این منادیان قاجار با محور قرار دادن مذهب بر جنبه‌های اجتماعی آن تأکید کرد (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ۸۰)؛ و بر نقش دین در احیا پیشرفت سیاسی در ایران تأکید دارد، باید از همت‌های ایرانیان و اندیشه‌های عالی آنان بعید نیست که نخستین پیشگامان تجدید وحدت اسلامی و تقویت بنیان‌های دینی بوده باشند (گزیده عروة الوثقی: ۱۳۹). برای بیدارسازی جوامع اسلامی از خواب غفلت باید به احیای غیرت و همت اسلامی همت گمارد، هیچ‌یک از پیروان دین اسلام شک ندارد که در این روزها وظیفه دفاع برای هر مؤمن مکلف فرض عین گشته است (گزیده عروة الوثقی: ۷۳). سید جمال علایق دینی را عامل نیرومندی برای اتحاد مسلمین می‌دلند. وی عامل دین را در برقراری وحدت مهم‌تر از روابط نژادی و زبانی می‌دلند و با نگارش مقالاتی در این زمینه سعی کرده تا از حریم دیلنت دفاع کند. سید جمال آگاه‌سازی مسلملنان را مهم‌ترین عامل برای رهایی از عقب‌افتادگی آن‌ها و بازسازی تمدن اسلامی می‌داند (مقالات جمالیه، ۳۸).

کارگزاران پیشرفت درصدد مقابله با جریان استعمار و استبداد بودند به‌نحوی‌که در جریان اشغال ایران توسط روس و انگلیس علما برآشفتند و اعلام کردند ای مسلمانان شما باید بدانید که بنا به اجماع مسلمانان و لزوم مذهبی جهاد علیه کافران واجب است (روزنامه العلم، ۱۹۱۱ ۲۶۴). همچنین نقش علما در گسترش بازرگانی ملی به‌منظور مبارزه بانفوذ اقتصادی بیگانگان از درگیری مستقیم و فعالانه آنان در بنیان‌گذاری شرکت اسلامیه به‌خوبی آشکار می‌گردد (حائری، ۱۳۹۲، ۱۳۱) گروهی از بازرگانان اصفهان شرکت اسلامیه را تشکیل دادند که نخستین شرکت بزرگ سهامی کشور بود هدف آنان رفع نیازمندی‌های کشور از طریق فراگیری صنایع جدیدی مانند نساجی و پشتیبانی از صنایع‌دستی بود (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۹۷). تأسیس شرکت اسلامیه و تأکید جمال‌الدین واعظ با تألیف رساله تقوی با استناد به آیات قرآن که ایرانیان نباید کالای خارجی استفاده کنند که هشت تن از علما و مراجع مانند عاملی، میرزا حسین رضا کاظم یزدی الشربیانی، آخوند خراسانی بر آن تقریظ نوشتند؛ و کمک به شرکت اسلامیه را مبارزه با نیروی کفر یکسان دانستند (حائری ۱۳۹۲ :۱۳۱). جنبش تنباکو به‌عنوان مهم‌ترین جنبش سیاسی و اجتماعی قبل از مشروطیت در ایران اعلان جهاد عمومی بود و در اندک زمانی همه مردم حتی خدمه

۱ رجوع شود به دیدار آیت الله خامنه ای با دست اندرکاران همایش یکصمین سال مشروطیت

اندرون و بانوان حرم ناصری در برگرفت و موجب بیداری مردم شد (قدیانی، ۱۳۹۲: ۸۴). بی‌شک مهاجرت صغری باهدف ایجاد عدالت‌خانه و عمل به قوانین اسلامی بود (همان: ۸۹).

بعد از یک دهه نارضایتی عمومی از شرایط سیاسی و اجتماعی جنبش مشروطه در دوران قاجار به مراحل پایانی خود نزدیک می‌شد و علما به حمایت از آن قیام کردند، آخوند خراسانی، حاجی تهرانی و حاج شیخ مازندرانی و همراهی اینان چون به کشور دل‌بستگی داشتند و آن را در دست دربار خودکامه قاجار روبه نابودی می‌دیدند برای جلوگیری از آن مشروطه و مجلس شورای ملی حمایت کردند (کسروی، بی‌تا: ۲۵۹). علما به‌کرات بی‌اعتنایی به مسئله مشروطیت و پشتیبانی از استبداد را با جنگ بر ضد امام زمان یکسان دانستند (حائری، ۱۳۹۲ ۱۲۴).

سید محمد طباطبایی به‌عنوان یکی از رهبران مشروطه در مورد مشروطه می‌نویسد: بندگان خدا که آزاد خلق‌شده‌اند از قید اسارت خلاص خواهند شد مشروطه چیزی است که مردم متحد خواهند شد نساوات و مواسات در مملکت پدید خواهد آمد مشروطه چیزی است که کسی بدون امر قانون نتواند سخنی بگوید و کاری کند (قدیانی، ۱۳۹۲: ۸۵). شیخ اسماعیل محلاتی رژیم مشروطه را دارای دو فایده پایان دادن به استبداد، حفظ اسلام دانسته است (شیخ اسماعیل محلاتی اللتالی المربوطه فی وجوب المشروطه بوشهر: ۱۹).

علامه محقق نائینی نمادی از مظهر مشروطیت اسلامی در ایران است، نائینی معتقد است گروهی از مردم به نام مذهب بر ضد آزادی خداداده برابری و دیگر حقوق ملی مذهبی از رژیم پشتیبانی کردند آنان اسلام را آلوده کردند و به خدا و پیامبر ستم کردند سکوت در برابر الحاد و دفاع نکردن از مذهب در چنان شرایطی خلاف تکلیف بلکه مساعدت در ظلم است (نائینی تنبیه الامه: ۴– ۵) منظور از آزادی، آزادی از استبداد است و نه از دین (قادری،۱۳۸۶: ۲۴۰) معنی درست مساوات در برابر قانون و مسئولیت مساوی همه در برابر احکام تغییرناپذیر اسلام است، نه از میان بردن تفاوت میان مسلمان و غیرمسلمان (منشادی،۱۳۸۸: ۲۲).

علامه نائینی با عدول از گفتمان سنت‌گرایانِ به طرح مفاهیمی چون حریت و مساوات به‌عنوان حقوق ملیه و حافظ سلطنت می‌پردازد و دلیل اصلی عقب‌ماندگی را دوری از اصول اسلامی آزادی‌جویانه و برابری‌طلبانه صدر اسلام می‌داند (نظری،۱۳۸۸: ۳۸۰). نائینی آزادی و مشارکت سیاسی مردم را از باب دخالت آنان در امربه‌معروف و نهی از منکر دانسته است. اگر حکومت از نوع تملیکیه باشد، اذن فقیه نیز نمی‌تواند آن را مشروعیت بخشد، زیرا لازمه‌اش این است که فقیه به شرک ورزیدن (استبداد) به خدا و ظلم بر بندگان اذن داده باشد(همان: ۱۱۳). این تشنج‌ها، درگیری‌ها و چالش‌هایی که شما در دوران حکومت قاجاریه از زمان تنباکو تا دوران رضاخان و تا بعدازآن می‌بینید که بین جبهه‌ای از مؤمنین به رهبری علما ازیک‌طرف و حکام جائر ازیک‌طرف انجام گرفت[1].

۱ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان۱۸/۰۸/۳۸۵

الف-۲-۲- کارگزاران توسعه سیاسی توسعه در دوران قاجار

قائلان به توسعه سیاسی در دوران قاجار با تأکید بر منابع فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خود سعی داشتند ایران را تبدیل به کشوری مدرن نمایند. این گفتمان ابتدا در شکل تقلید از غرب خود را نشان داد و طیف عظیمی از روشنفکران لیبرال، ملی‌گرا، مارکسیست و غیره از آن طرفداری کردند درواقع آنان معتقد به سلطه عام تمدن و فرهنگ غربی بود (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۲۰۰). روشنفکران در دروان قاجار تماس با غرب از راه مسافرت، ترجمه و نهادهای آموزشی افکار جدید خواسته‌ها تازه، ارزش‌های نو روشنفکران جدید را به وجود آورد، آنان معتقد بودند استبداد سلطنتی، جزم‌اندیشی مذهبی و امپریالیسم خارجی سبب عدم توسعه است (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ۸۹). توسعه سیاسی در دوران قاجار ریشه در مدرنیسم و آشنایی با تمدن غرب دارد، از مهم‌ترین نماینده این تفکر می‌توان به آخوندزاده، طالبوف، ملکم‌خان اشاره کرد، آخوندزاده و طالبوف هواخواه بی‌قیدوشرط نظام‌های غیردینی یا سکولار بودند برخی از این نوگرایان از اصول نوگرایی معنی و اهداف آن آگاه بودند و بدان ارج می‌نهادند به اندیشه مشروطه رنگ اسلامی زدند و از منافع غرب در ایران پشتیبانی می‌کردند (حائری، ۱۳۹۲: ۳۲۸).

این جریان استبداد سلطنتی را دشمن ذاتی آزادی برابری و برادری، جزم‌اندیشی مذهبی را مخالف طبیعی تفکر عقلانی و علمی، امپریالیسم خارجی را استثمارگر سیری‌ناپذیر کشورهای کوچک دانسته و دانش حقیقی از راه خردورزی و علوم جدید می‌دانستند، روشنفکران مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم را سه ابزار کلیدی برای ساختن جامعه نوین قدرتمند و توسعه‌یافته به شمار آورنده‌اند (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ۸۰).

در عصر مشروطه نخبگان و روشنفکران چنان شیفته دنیای جدید اروپایی شدند که بدن تأمل جدی و انتقادی به فور اروپایی کردن ایران و کپی بردن از نهادها و ارزش‌های غرب مشغول شدند (میرسپاسی، ۱۴۰۰: ۱۵). بسیاری از اصلاح‌گرایان مشروطه‌خواه طرفدار تسلیم مطلق ایران به تمدن اروپایی بودند (آدمیت، ۱۳۴۰: ۱۱۴). متفکران عصر مشروطه نه یک تحلیل جدی از سنت‌های فکری ایران ارائه کردند و نه تفکر و اندیشه اروپایی را درک کردند (میر سپاسی، ۱۴۰۰: ۱۷).

آخوندزاده قائل به توسعه با رویکرد ضد دینی بوده است، کاش ثالثی پیدا شدی و ملت ما را از قید اکثر رسوم ضمیمه این عرب‌ها که سلطنت هزارساله عدالت آیین ممدوحه بلند آوای ما را به زوال آوردند وطن ما را که گلستان روی زمین است خراب‌اندرخراب کردند و ما را بدین ذلت و سرافکندگی و عبودیت و رذالت رسانیدند، آزاد نمودی، اما نه به رسوم نبوت یا امامت که خلاف مشرب من است، بلکه به‌رسم حکمت و فیلسوفیت (آخوندزاده، الفبای جدید و مکتوبات: ۱۷۲). برای اینکه مسلمانان از عقب‌افتادگی نجات‌یافته و راه پیشرفت و ترقی را طی کنند باید اصلاح دین صورت گیرد. ایران باستان را به نور و ایران پس از اسلام را به ظلمت تشبیه می‌کند (آخوندزاده، مکتوبات کمال الدوله: ۱۳). ازنظر او تا ملل شرقی به‌ویژه ایرانیان اندیشه‌های اروپاییان را نپذیرند راه نجاتی پیدا نخواهند کرد. بدون الگو قرار دادن غرب نمی‌توان راه ترقی و پیشرفت را طی کرد. «اتخاذ تجربه دیگران حاصلی نخواهد بخشید وقتی‌که انسان به اسواد خیال و طرح اندازی عقول ارباب تجربه پی نبرده باشد... باید مردم به قبول خیالات یوروپائیان استعداد به هم رسانند (آخوندزاده، ملحقات مکتوبات: ۱۷۵). ملکم خان و میرزا یوسف خان مستشارالدوله تا حدی دیدگاه دین‌ستیزانه آخوندزاده را ندارند و بی‌قانونی را علت عقب‌ماندگی ایران دانسته‌اند

(قدیانی، ۱۳۹۲: ۸۶) ملکم خان نگاه التقاطی به اسلام دارد، اسلام مخالف تجدد و مدنیت نیست (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۸۵). از طرف روشنفکرهای صدر مشروطه، که ما فقط و فقط باید دنبال غربی‌ها راه بیفتیم و به هرچه آن‌ها می‌گویند، در همه‌ی شئون زندگی‌مان عمل کنیم[1]

ب: توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران پهلوی

ب-۱-۱- ساخت داخلی و توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران پهلوی

زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمی‌شد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمدرضا، با حضور آمریکائی‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم می‌کردند، مردم احساس می‌کردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعدازاینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملت ایران باآنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه‌دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعدازآن یک دیکتاتوری سخت از سال ۳۳ تا سال ۵۷ –در طول ۲۴ سال– بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ای دیگر نداشتند[2].

نظام مشروطه در ایران دولتی مستعجل بود و توسط حکومت اقتدارگرای رضاشاه نابود شد (میرسپاسی، ۱۴۰۰: ۱۵۲) دولت پهلوی دولتی مطلقه و طرفدارانش از آن به‌عنوان دست آهنین یا منجی ایران نام‌برده‌اند (فیرحی، ۱۳۹۰" ۴۴۳). روی کار آمدن رضاخان به معنای تثبیت دیدگاه توسعه غربی بارویکردی گزینشی بود، ایدئولوژی رضاخان همان استبداد منور بوده است، این ایدئولوژی معتقد است ایرانیان صلاح کار خود را نمی‌دانند و باید یک قوه قهریه قدرتمند آنان را به سمت توسعه سوق دهد. این تفکر کاملاً دیدگاه گزینشی نسبت به توسعه غربی داشت و تنها آنچه باهدف حکومت رضاخانی در ایران همراه بود عمل شد، رضاخان برای ایجاد دولت مدرن و توسعه در ایران گامی لرزان برداشت که به دلیل شیوه تحمیلی سیاست‌ها و عدم استفاده از نهادهای بومی مشارکت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بود (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۲۰۸).

کودتای ۱۲۹۹ در گسست از مذهب و مردم‌سالاری مشروطه چهره‌ای سکولار، ملی‌گرا و مطلقه و بر گفتمان سازی آمرانه تأکید کرد (فیرحی،۱۳۹۰: ۴۰۷). پهلوی سعی در ایجاد حداکثر استقلال از نیروهای اجتماعی بود و به دنبال سکولاریسم، ملی‌گرایی، تمرکز قدرت شاه، ستایش نظامی‌گری و فاصله گرفتن از سنت نیروهای اجتماعی و تسلط هرچه بیشتر بر جامعه و از میان بردن هرگونه ابتکار عمل اجتماعی بود (دلیرپور، ۱۳۹۰، ۱۹۵). اجبار فرهنگی که دارای سویه ضدمذهبی بود به بن‌بست و خشونت رسید، مصادیق اجرایی این سیاست کشف حجاب، کنترل نهادها و مدارس اسلامی، دست‌اندازی به‌نظام وقف، تغییرات در نظام قضایی و آموزشی کشور بود (فیرحی، ۱۳۹۰: ۴۵۲). بعد از تبعید رضاخان و روی کار آمدن محمدرضا پهلوی رویکرد توسعه مبتنی بر ساختار شبه مدرن ایرانی مبتنی بر نوعی شبه مدرنیته ناقص که بر پایه ارزیابی غیرواقعی از مدرنیته

۱بیانات در دیدار جمعی از مهندسان۰۵/۱۲/۳۸۳

۲ بیانات در مراسم بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله ۱۴/۰۳/۳۸۸

ایرانی بود، بر پایه‌ی ویژگی جدیدی استوار بود که آن را تبدیل به امری مقدس و نجات‌دهنده جامعه ازنظر مدافعان و امری نام قدس و شیطانی و عامل انحطاط جامعه، ازنظر مخالفان گردانیده بود (ارمکی،۱۳۸۰: ۷۹– ۸۲).

دهه چهل محمدرضا پهلوی تحت‌فشار آمریکا به اصلاحاتی اجتماعی و اقتصادی پرداخت که زمینه‌ساز دیکتاتوری سرمایه‌داری دولتی شد (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۲۱۰) محمدرضا پهلوی با تأسیس حزب رستاخیز اصلاحاتی اقتصادی و اجتماعی را شروع کرد، نسل جوان حزب رستاخیز مفسران اندیشه هانتینگتون در ایران بودند، آنان تنها راه ثبات در ایران و کشورهای درحال‌توسعه را ایجاد حزب دولتی منضبط می‌دانستند، چنین حزبی حلقه واسط میان دولت و جامعه است و دولت را به بسیج مردم توانا خواهد ساخت (آبراهامیان، ۱۳۸۵:۵۴۲). شاه هرچند ساختار اجتماعی و اقتصادی را نوسازی کرد، برای توسعه نظام سیاسی اجزا شکل‌گیری گروه‌های فشار، ایجاد فضای باز سیاسی برای نیروهای مختلف اجتماعی، ایجاد پیوند میان رژیم و طبقات جدید، حفظ حلقه‌های ارتباطی موجد میان رژیم و طبقات قدیمی گسترش پاسگاه اجتماعی سلطنت که مدت‌ها به موجود میان رژیم و طبقات قدیمی و گسترش پایگاه اجتماعی سلطنت که عمدتاً به علت کودتای نظامی سال ۱۳۳۲ همچنان پابرجا مانده بود، تلاش جدی نکرد (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۵۳۵). در دوران پهلوی‌ها، در این کشور، علم، پیشرفت علمی، مغز متفکّر علمی و پدیده‌های گوناگون علمی دیده نشد؛ البته در دوره‌ای، به‌اصطلاح دانشگاه و مطبوعات و مجلس شورا هم داشتیم؛ اما در اختیار دستگاه جبّاری بود که برای آن در درجه اوّل، منافع بیگانگان و منافع مسئولان آن روزِ کشور مطرح بود و منافع مردم و آینده اصلاً مطرح نبود[1] در دوره‌ی پهلوی هم که دوره‌ی مدرنیزاسیون ایران طبق نگاه خود متولیان دولتی و روشنفکرهای آن روز است، متأسفانه ما در سراشیب انحطاط حرکت کردیم[2]

ب– ۱-۲– ساخت خارجی و توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران پهلوی

سیاست نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در دوران پهلوی در قبال ایران همان سیاست دوران قاجار با تغییراتی است، انگلستان در جهت تأمین منافع خود رضاخان را در ایران بر سرکار آورد و تا زمانی منافع آنان را تأمین می‌کرد از او حمایت کرد، انگلیسی‌ها به این اصل معتقد بودند که یک دیکتاتوری نظامی مشکلاتشان را حل و آن‌ها را از هرگونه دردسر در این کشور (ایران) راحت خواهد کرد تا جایی که آیرونساید به زبان ساده می‌گفت که برای ما یک کودتا بهتر از هر چیز دیگری است (رواسانی، بی‌تا: ۱۱۹) سرپرسی لورن نیز درباره رضاخان نوشته است: او با دست ایرانیان کاری انجام خواهد داد که بریتانیا می‌خواست با دست انگلیس‌ها انجام دهد. ما ازاین‌پس باید از هرگونه تظاهر به اینکه رضاخان زیر چتر حمایت ما باشد خودداری کنیم (لورن، ۱۳۶۳: ۵۵ و ۵۴) اقدامات رضاشاه در راستای توسعه ایران ضروری کارکردی برای مقابله با چالش‌های بین‌المللی به‌حساب نمی‌آمد بلکه بیشتر ناشی از خواست انگلیس برای ایجاد ثبات در منطقه خاورمیانه و جلوگیری از هرج‌ومرج داخلی بود که می‌توانست سبب گسترش کمونیسم شوروی در این منطقه به خطر انداختن منافع نفتی و سلطه انگلیس در هندوستان گردد (دلیرپور، ۱۳۹۰ :۱۹۴). با خروج رضا شاه در سال ۱۳۲۰ فضای روشنفکری خاصی در ایران ایجاد

۱بیانات در دیدار جمعی از روحانیون۲۳/۰۹/۳۷۷

۲بیانات در دیدار جمعی از مهندسان۰۵/۱۲/۳۸۳

شـد، حزب توده به عنوان سـردمدار چپ در ایران معرفی شـد(سـاداتی نژاد، ۱۴۰۴ :۴۱۱) و قدرتی جدید به نام آمریکا وارد عرصه نظام بین‌الملل شد، رابطه آمریکا با ایران از ابتدا تاکنون تابعی از منافع استراتژیک، اقتصادی وجود منافع نفتی در جنوب ایران و جلوگیری از نفوذ شوروی بوده است (امری، ۱۳۹۷: ۴۰)

سـاختار نظام بین‌الملل بعد از جنگ دوم جهانی که بر اسـاس دموکراسـی، حقوق بین‌الملل و جلوگیری از تجاوز به یکدیگر شـکل‌گرفته بود (Falson,۱۹٦۷:۹). نظام بین‌الملل خواهان شـکل‌گیری دمکراسـی در جوامع بر پایه امنیت و آزادی مردم بود (Humanities and Social Sciences, ۱۹۹۰:۸۷). با تقسـیم سـاختار نظام بین‌الملل به دو بلوک شـرق و غرب و بعد از نظامی‌گری حاکم برجهان، ما شاهد نوعی جنگ روانی و تبلیغاتی بوده‌ایم(Morgenta,۱۹۷۳: ۸۰) .

در این عصر، ایران به‌عنوان پیمان اصلی ایالات‌متحده آمریکا در خاورمیانه، نیروی پنجم نظامی جهان، رهبر اُپک و ژاندارم منطقه شـناخته می‌شـد. آمریکایی‌ها بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تنها قدرت اصـلی در ایران بودند. باروی کار آمدن جمهوری خواهان در آمریکا ایران ژاندارم منطقه شـد شـاه ۳۰ درصـد از بودجه نظامی کشـور را خرج خرید تسـلیحات نظامی کرده‌اید تسـلیحات نظامی در راسـتای سـیاسـت رقابت با بلوک شـرق بود (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۱۳۳). هرچند غرب خواهان نوعی دموکراسـی اجتماعی بر پایه توسـعه و رشـد جنبش‌های اجتماعی و نهادهای اجتماعی همراه با آزادی بیان (Lanine, ۱۹۷۸: ۱۹۴) و بسیاری از تعهدات و معاهدات در ساختار نظام بین‌الملل بر اساس حفاظت از حقوق بشر بود(Gigorg,۱۹۷٦: ۲۳۳) ، ولی جز فشارهای رسانه‌ای، اقدامی برای آزادی‌های سیاسی در دوران پهلوی در ایران انجام نداند. بلوک شرق نیز به فرماندهی شوروی از اوایل دهه ۵۰ اقدام به عادی‌سازی روابط با حکومت پهلوی کرد. این وضع، محیط بین‌المللی سازنده و کارآمدی را برای حکومت پهلوی ایجاد کرده بود تا این حکومت ازلحاظ بین‌المللی مشـکل خاصـی نداشـته باشـد و هرچند مقامات آمریکا نگران سرکوب، فساد، ناکارآمدی اقتصادی و بی‌رحمی شاه بودند اما همچنان او در خاورمیانه مهره اصلی اقدامات آمریکا علیه شـوروی می‌دانسـتند (امری، ۱۳۹۷: ۱۲). آمریکا به‌عنوان حامی اصـلی محمدرضـا پهلوی مهم‌ترین نقش را درحرکت ایران به‌سوی توسعه ایفا می‌کند، (دلیرپور، ۱۳۹۰: ۲۱۱). دلارهای نفتی آمریکا در پی مدرنیزاسیون افسارگسیخته در ایران بود (امری، ۱۳۹۷: ۱۶). اسـتراتژی جنگ سـرد آمریکا حکم می‌کرد که نباید از کنار خلأ امنیتی در مناطقی که آوردگاه ابرقدرت‌ها هسـتند و اهمیت استراتژیک دارند به‌آسانی عبور کردند اگر امریکا برای پر کردند این خلأ دست به اقدامی نمی‌زد فضا برای شوروی باز می‌شد (همان:۲۱).

ب- ۲- کارگزاران توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران پهلوی

ب-۲-۱- کارگزاران پیشرفت سیاسی در دوران پهلوی

یکی از جنبش‌هایی که در این دوران در واکنش به توسـعه غربی در ایران شـکل‌گرفته و خواهان پیشـرفت ایران بر اسـاس آرمان‌ها و ارزش‌های بومی و ایران بودند، طرفداران تشـکیل حکومت اسـلامی بودند، آن‌ها هیچ‌کدام از سـاختارهای داخلی و

خارجی را قبول نداشتند. آنان ستیزه‌جو در مقابل غرب، مصمم و جسور در سطحی جهانی که آماده‌ی ازسرگیری نبرد با دشمن دیرین، یعنی غرب (استکبار) را داشتند (هارنی[1]،۱۳۷۷: ۲۶۲).

طرفداران به پیشرفت سیاسی منتقد توسعه غربی بوده و خواهان برنامه پیشرفت سیاسی بر اساس نظام ارزشی و اجتماعی ایران بوده است این جریان قصد نقد سنت‌گرایانه مدرنیته داشته است (میر سپاسی، ۱۴۰۰: ۱۶۸). از مهم‌ترین جنبش‌های بارویکرد پیشرفت می‌توان به قیام جنگل که مبتنی بر جمهوریت و القای نظام سلطنتی و تساوی حقوق و حفظ شعائر مذهبی و مقابله با استعمار (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ۱۰۵) و فدائیان اسلام باهدف مقابله با کسروی، دفاع از اسلام، مقابله با بی‌عدالتی و تشکیل حکومت اسلامی (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ۱۱۴) و حمایت از فلسطین (ابراهیمیان، ۱۳۸۵، ۱۱۹) اشاره کرد.

از دهه ۱۳۴۰ به بعد در اثر اقدامات توسعه‌طلبانه ساخت سیاسی نوعی ازخودبیگانگی اجتماعی و روانی در ایران ایجاد می‌شود که به ظهور نوعی ایدئولوژی جدید بر مبنای نمادها و آرمان‌ها اسلامی می‌انجامد، این ایدئولوژی مبتنی بر توده مردم، تأکید بر شعارهایی همچون عدالت اجتماعی و تعهد، تحول در روحانیت است که به‌عنوان یک آلترناتیو کارآمد برای رژیم حاکم باشد و توانست بخش وسیعی از جامعه را با خود همراه سازد (میر سپاسی، ۱۴۵:۱۴۰۰). این جنبش‌های احیاگرایانه‌ی اسلامی ریشه در ضدیت با تسلط غرب، استعمار یا دخالت در سرزمین‌های اسلامی جریان بودند، آنان بیش از آن‌که در پی نجات مردم مسلمان از عجمات فکری، فیزیکی، مذهبی و فرهنگی غرب باشد با جنبش‌هایی پیوند دارد که توجه کمتری به لیبرالی کردن اسلام در غالب الگوی غربی از خود نشان می‌دهد (دوزن،۱۳۷۹: ۱۴). جنبش اسلام سیاسی، مبارزه خود را برای نابودی رژیم و برقراری حکومت اسلامی قرار داده بود (میر سپاسی، ۱۷۷:۱۴۰۰).

از افرادی که در این دوره به‌نقد توسعه غربی پرداختند می‌توان به جلال آل احمد اشاره کرد، وی توسعه دوران پهلوی را نوعی غرب‌زدگی دانسته است، غرب‌زدگی، معنایی جز مصرف‌کنندگی ندارد (آل احمد، ۲۳) تا زمانی که ماهیت و فلسفهٔ تمدن غربی را نشناسیم و به‌ظاهر ادای غرب را درآوریم غرب‌زده هستیم (جلال آل احمد: ۷۱)، شریعتی به دنبال آل احمد به‌نقد فرهنگ سیاسی سکولار که به خاطر آن‌که فرهنگ اسلامی ایرانی را نادیده می‌گرفت، تداوم بخشید درحالی‌که آل احمد به‌نقد خود سکولاریسم و مدرنیسم موجود در فرهنگ و سیاست ایرانی توجه داشت، شریعتی قصد جایگزینی یک ایدئولوژی جایگزین اسلامی را داشت، شریعتی در برابر ایدئولوژی سکولار رایج ایدئولوژی شیعی مدرن و مردم‌پسند را ارائه داد (میرسپاسی،۱۴۰۰: ۱۶۸). شریعتی به دنبال بازگشت به قرآن و دستیابی به تفسیری نو متناسب با روزگار بود و اسلام انقلابی و اجتماعی را جایگزین اسلام متحجر می‌دانست (خسرو پناه،۱۳۸۵: ۲۳– ۲۰۹). اسلام در نظر شریعتی، نه‌فقط وجوه فرهنگی آن و نه مجموعه علوم اسلامی از قبیل کلام، فقه و فلسفه است (شریعتی، مجموعه آثار، ج ۲۷: ۱۷۳)، بلکه رسالت اصلی دین، آزادی، برابری، نجات توده‌ها و عزت بخشیدن به مستضعفان است (خسروپناه،۱۳۸۵: ۲۳– ۳۲۵) مهم‌ترین رویداد و درخشان‌ترین موقعیتی که در روزگار او به‌دست‌آمده تبدیل اسلام از فرهنگ به ایدئولوژی است (شریعتی، مجموعه آثار، ج ۲: ۳۷). شریعتی، بازگشت به اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی را آرزوی خود دانسته و اسلام ایدئولوژیک را تجدید تولد روحی و

۱- Harney

یک رنسانس فکری معرفی کرده است و نه بازگشت به گذشته(شریعتی، مجموعه آثار، ج ۲،۱۷۳). در دیدگاه شریعتی، پروتستانتیم اسلامی به معنای حذف دین از عرصه اجتماع نبود؛ بلکه به نظر او برای رسیدن به اسلامِ ایدئولوژیک، باید در اسلام‌شناسی انزواگرا تجدیدنظر شود، اسلام مکتبی است که انسان، فرد و جامعه را احیا می‌کند و رسالت رهبری آینده بشریت را به عهده دارد (شریعتی، مجموعه آثار، ج ۲۸: ۷۰).

ب-۲-۲- کارگزاران توسعه سیاسی در دوران پهلوی

بعد از ناکامی روشنفکران در مشروطیت در بسط اندیشه‌های خود، اوضاع جهانی، منطقه‌ای و داخلی به سویی رفت که حلقه روشنفکران راه نجات ایران را شکل‌گیری استبداد منور معرفی کردند. (میر سپاسی، ۱۴۰۰: ۱۴۱). در راستای سلطنت رضاخان تعدادی از روشنفکران ازجمله نویسندگان کاوه و ایرانشهر، با عدول آشکار از مبانی مشروطه، به نظریه استبداد منور روی آوردند و استقرار مرد قدرتمند و نوگرا را تنها گزینه نجات کشور از بحران مشروطه دانستند، این دسته از روشنفکران با فرض تقدم امنیت بر دموکراسی، استبداد منور را تنها کارگزار تجدد عبور از سنت و استقرار دولت ملی متمرکزی دانستند، آنان اصلاحات فوری و اساسی، تقویت دولت مرکزی امنیت ملی را به‌منزله مقدمه اقدامات ملی چون آموزش همگانی، گسترش علوم جدید و بهداشت می‌دانستند (فیرحی،۱۳۹۰: ۴۴۸). تقی زاده چیزی را که بیش‌ازحد اعلا برای ایرانیان لازم و همه وطن دوستان ایران با تمام قوی درراه آن بکوشند و آن را بر همه‌چیز مقدم (کاوه، سال اول، شماره اول، ص ۱).

کاظم‌زاده به تقلید از اندیشه هگل از روح زمان سخن گفت و فروغی خواستار استفاده از نظریه تکامل داروین به‌عنوان الگوی پیشبرد ترقی اجتماعی و علمی در ایران بود (جهانبگلو، ۱۳۸۲: ۶۳). جریان چپ ضمن نقد باستان‌گرایی، ناسیونالیسم رضاشاه تئوری پردازی در باب زوال مذهب هم غفلت نمی‌کرد و چنین وظیفه‌ای را جزو نخستین اولویت‌های خود می‌دانست، (فیرحی، ۱۳۹۰" ۴۶۰). ارانی در برای توسعه ایران پاک‌سازی زبان فارسی از واژه‌های بیگانه احیای مذهب باستانی زرتشت و تجدید بنای دولت متمرکز تأکید می‌کند (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۱۹۵).

حزب دموکرات در سال ۱۳۲۴ به‌عنوان یکی از پیشگامان توسعه در ایران خواهان اصلاحاتی در توزیع زمین‌های دولتی، اعطای حق رأی به زنان، تشکیل انجمن‌های ایالتی مقرر در قانون اساسی، رفع مشکل بیکاری، ساخت مدارس (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۲۸۷)، تقسیم املاک بین دهقانان، ایجاد بانک کشاورزی، ایجاد ارتش ملی تفکیک دولت از مذهب، برقراری تعلیمات اجباری و تلاش برای مقابله با استعمار خارجی و حزب همراهان در مجلس چهاردهم نیز خواهان تأمین برابری سیاسی برای همه شهروندان، ملی کردن ابزار تولید بود (ابراهیمیان، ۱۳۸۵: ۹۴) مصدق به‌عنوان یکی از رهبران توسعه در ایران خواهان نوعی سوسیالیسم اجتماعی علیه فئودال‌ها، صنعتی سازی، مالکیت صنایع بزرگ توسط دولت کاهش بوروکراسی بود، مصدق تصویر مشروطه‌خواهانه از مدرنیته به صبغه ملی‌گرایانه داشت و در مدتی کوتاه این امید پدید آمد که ایران در حال تحول به سمت جامعه دموکراتیک است(میرسپاسی، ۱۴:۱۵).

ج: توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران انقلاب اسلامی

ج-۱-۱- ساخت داخلی و توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین و اثرگذارترین تحول مفهومی و عملی است که به نقد برنامه توسعه غربی در ایران و باهدف دست‌یابی به پیشرفت بومی تطور یافت (عیوضی،۱۳۸۷: ۸۲)؛ این انقلاب انقلابی اجتماعی و ساخت‌شکنانه بود و به تغییر ناگهانی و قهرآمیز نظام به‌وسیله مردم و حاکم شدن ارزش‌های جدید در جامعه پرداخت(آکسفورد، ۲۰۲۴: ۱۳۰۲)، که در آن سیاست، اقتصاد، اصول جامعه، نهادها و دولت تغییر می‌کند(پلانو، ۱۹۸۲: ۲۱۱) هانتینگتون[۱] انقلاب را تغییر درونی سریع، اساسی و قهرآمیز ارزش‌ها و اساطیر حاکم بر جامعه و سازگارهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و رویه و رفتار دولت می‌داند (میلانی،۱۳۸۳:۱۲)؛ که منجر به حاکم شدن ارزش‌های جدید در جامعه می‌شود (آکسفورد، ۲۰۲۴: ۱۳۰۵)، اما انقلاب اسلامی ایران علاوه بر تغییرات سیاسی و اجتماعی موجب تحول مفهومی در نظام فکری، مسئولیت عمومی درزمینه ایجاد حاکمیت قوانین و ارزش‌های الهی (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ :۱۵) و تحول در مشروعیت و ساختار نظام سیاسی (میلانی،۱۳۸۳: ۴۰) شد.

نظام جمهوری اسلامی آشکارا اسلام شیعه را با مفاهیم اساسی دموکراسی های مدرن چنان محکم و استوار همنشین کرده است (حسینی، ۱۴۰۴: ۳۹۵). انقلاب اسلامی از منظر توسعه و پیشرفت را می‌توان واکنشی به توسعه و تجدد بی‌برنامه در ایران دوران پهلوی دانست ازنظر رادکلیف براون[۲] ساخت جامعه، شبکه‌ی از ارتباطات اجتماعی است که وحدت آن‌ها در شبکه‌ی مستمری خلاصه می‌شود که پایگاه‌ها نقش اصلی آن را تشکیل می‌دهند(بروان، ۱۹۵۲: ۱۹۰). انقلاب اسلامی واکنشی در برابر دولت مدرن سکولار است (میرسپاسی، ۱۴۰۰:۱۴۵)، بی‌شک نوع نگاه به پیشرفت سیاسی به‌عنوان یکی از پیامدهای این تحولات معنایی و اجتماعی و سیاسی بوده است. حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح‌شده است انقلاب اسلامی واکنشی به عدم پیشرفت ایران وابستگی به دول خارجی بوده است (قانون اساسی، مقدمه).

ج- ۱-۲- ساخت خارجی توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران جمهوری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی ساخت‌شکنانه[۳] علیه نظامی که جهان را به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم کرده[۴] نظام سلطه در حوزه‌های گوناگونی نظیر اقتصاد، سیاست و فرهنگ کارکرده است.[۵] ناثباتی ژئوپلیتیک ایران به علت موقعیت راهبردی در حلقه اتصال سه قاره کهن آسیا، اروپا و افریقا است (توحید فام، ۱۳۷۹:۱۶۸). آمریکا بعد از جنگ سرد خواستار تغییر در ساختار سیاسی خاورمیانه بر اساس صورت‌بندهایی از قدرت، امنیت، پیروی از ضرورت‌ها و نیازهای امنیتی، منافع حیاتی، سرمایه استراتژیک (جعفری، ۱۳۸۹: ۲۲۰) امنیت اسرائیل (متقی، ۱۳۹۳: ۹۵)، تقویت اسرائیل و موازنه قدرت به نفع آن (مارک[۶]، ۲۰۰۲) بر اساس دو محور اصلی میراث تاریخی، ارزش‌ها و فرهنگ مشترک، به دنبال طرح‌ریزی برنامه بوده است (متقی، ۱۳۹۳: ۹۵). آمریکا در پی ایجاد گفتمانی بوده که کل منطقه را به خود وابسته سازد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۸/۱۲) و

---

۱ -Hantyngton

۲- Brown

۳ بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی ۱۵/۰۱/۳۷۱

۴ آیت الله خامنه ای، سخنرانی در دیدار با مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴

۵ آیت الله خامنه ای، سخنرانی، درد دیدار هیئت رئیسه نمایندگان مجلسشورای اسلامی ۱۳۸۱/۳/۷

۶ mark

بتواند خاورمیانه جدید را به وجود آورد، آمریکا هر گروه، کشـــور یا ســـاختاری را که هدفش مبارزه بانظم حاکم و ارزش‌های منسوب به این نظم باشد را مورد هدف حمله خود قرار می‌دهد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۶:۳۵).

ج- ۲- کارگزاران توسعه و پیشرفت سیاسی در دوران جمهوری اسلامی

ج-۲-۱- کارگزاران پیشرفت سیاسی در دوران جمهوری اسلامی

انقلاب اســلامی ایران شـکل‌گیری دسـتگاه معنایی و مفهومی جدید مبتنی بر بازگشـت به ارزش‌ها سـنت (احمدوند،۱۳۸۴: ۳۱۹). افرادی مانند امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، شـهید بهشـتی، شـهید مطهری و دکتر شـریعتی نماینده این تفکر بوده و معتقد بودند باید حکومت فعلی سرنگون و حکومت اسلامی در جامعه ایجاد شود (اختر شهر،۱۳۸۸: ۸۹). تا پیش‌ازاین انقلاب ۱۳۵۷ علماء را پشـتیبان سـفت‌وسـخت انقلاب مشـروطه می‌دانسـتند، اما در زمان قبل از انقلاب همه‌چیز تغییر پیدا کرد (کاتوزیان،۱۳۸۸: ۱۶۵). هرچند مواضع این افراد دارای تفاوت‌هایی است؛ اما رویکرد آنان نسبت به مسئله پیشرفت دایره اشتراکات فراوانی است.

پیشـرفت سـیاسـی فرایندی ناظر بر قانون اسـاسـی جمهوری اسـلامی ایران و اندیشـه رهبران انقلاب اسـلامی بر اسـاس مبانی معرفت‌شناختانه و زمینه‌های سیاسی و اجتماعی در طول تحقق یک فرایند بلندمدت مبتنی بر گفتمان سازی، مدیریت فرهنگ، تکیه‌بر هویت، عقلانیت و... اسـت که منتج به‌نظام سـیاسـی کارآمد و ایجاد یک جامعه تحول می‌شـود، نظام سـیاسـی کارآمد مبتنی بر عدالت محوری، شـایسـته‌سـالاری، پاسـخگویی و نظارت و جامعه تحول‌خواه مبتنی بر آزادی و برابری سـیاسـی و اجتماعی، اعتقادی و جود احزاب و سـازمان‌های غیردولتی، معنویت و اخلاق محوری اسـت؛ موانع تحقق پیشـرفت سـیاسـی شـامل موانع درونی، سـیاسـی و اجتماعی، بین‌الملل و ... است، هدف پیشرفت سیاسی دست‌یابی به حیات طیبه و تمدن نوین اسلامی است(نظری، ۱۴۰۱: ۱۵۰)

ج-۲-۲- کارگزاران توسعه سیاسی در دوران جمهوری اسلامی

بعد از اسـتقرار جمهوری اسـلامی همچنان گروه‌ها و جریان‌های فکری معتقد به توسـعه مشـغول به فعالیت بوده و منتقد جدی رویکرد پیشرفت در ایران بودند. جریان چپ که آبشخور جریان‌های چپ دهه ۶۰ میلادی است، رویکرد توسعه خود را مبتنی بر شـکل‌گیری حکومت‌های سـوسـیالیسـتی و برابری بوده اسـت. چریک‌های فدائیان خلق، مجاهدین خلق و ... نمونه‌این تفکر اســت (آبراهامیان،۱۳۸۵: ۵۹۱). آنان به دنبال افزایش برابری در بالاترین حد بودند(ری، ۱۹۸۰: ۶۸). با فروپاشـــی بلوک شرق گروه‌های چپ نیز دچار استحاله فکری شدند و با تغییر مواضع خود برای حفظ خود در سپهر سیاسی به آمریکا نزدیک شدند، برخی از گروه‌های منتقد جریان پیشرفت که وابستگی سیاسی به کشورهای متخاصم نداشتند بر اساس مبانی فکری خود منتقد جدی گفتمان پیشرفت در ایران بودند، رویکرد توسعه محور جریان راست با تکیه‌بر آزادی فردی و شکل‌گیری حکومت دموکرات و ... به فعالیت خود ادامه داد، جریان روشـــنفکری دینی وجریان روشـــنفکری غیردینی از اثرگذارترین جریان‌های فکری اثرگذار در این دوران هسـتند، آنان تشـکیل حکومت دینی در دوران معاصـر را منافی گفتمان توسـعه دانسـته و خواهان عرفی گرایی در نظام سـیاسـی و هدف‌گذاری آنان تکیه‌بر آزادی، تسـاهل و... بوده اسـت. این طیف شـامل افراد و گروه‌های

مختلفی می‌شود، اما فصل مشترک این گروه نقد حکومت دینی و تکیه‌بر آزادی و... بوده است. اسلام و دموکراسی دو مقوله جدا از یکدیگر می‌باشند و قائل به سکولاریسم در حوزه سیاسی هستند. امکان تلفیق دین و دموکراسی وجود ندارد.[1]

تطور اندیشه‌ها و آشنایی با کلام جدید و روش‌های جدید از قبیل هرمنوتیک ـــ تکثر یا پلورالیسم ـــ سکولاریسم و ارائه برداشتی علمی از دین و نیز عدم هماهنگی برداشت آرمان‌گرایانه روشنفکران دینی از حکومت دینی باتجربه حکومت دینی در ایران پس از انقلاب اسلامی از مهم‌ترین ادله چرخش تئوریک نزد روشنفکری ایران پس از انقلاب بوده است (صالح، ۱۳۷۵:۳۲). تأکید بر بعد عقلانی نظام عقاید دینی به‌تناسب خرد خودبینانه بازسازی شده است. نتیجه به رسمیت شناختن امری ذاتاً غیردینی (خرد خود بنیاد نقاد) و تبیین مناسبات آن با دین، درواقع به معنای تحقق نوعی سکولاریزاسون است (احمدی، ۵۶ : ۱۳۷۹) در این نوع نگاه در فرهنگ سیاسی مولفه هایی چون نوع نگاه به سیاست (وظیفه یا تهدید) درک از مشروعیت سیاسی(دموکراتیک دینی، اقتدارگرا، قانونی) تفسیر از رابطه دین و سیاست، جایگاه مشارکت در نظام هنجاری افراد، و نحوه مواجهه با نهادهای قدرت مورد توجه قرار می گیرد(ابوالحسینی، ۱۴۰۴: ۳۲۴). این جریان فکری با برداشت رسمی از دین مخالفت ورزیده است و به دنبال کشف تجربه‌های جدید دینی است (شبستری، ۱۳۷۶: ۲۳۸). هر متنی درزمینهٔ تاریخی خود شکل‌گرفته است، هر سنتی به‌گونه‌ای عقلانی بوده و اتخاذ روش‌های جدید عقلانی چیزی مباین با آن‌ها نیست (همان: ۲۴۰).

جمع‌بندی:

مفاهیم اجتماعی و اندیشه سیاسی در خلأ شکل نگرفته بلکه علاوه بر اراده فردی ساخت سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی بر آن اثر می‌گذارد، ازاین‌رو برای بررسی دقیق‌تر مفهوم توسعه و پیشرفت سه دوره قاجار، پهلوی و انقلاب اسلامی مؤلفه‌های اثرگذار به ساخت داخلی و خارجی، کارگزاران پیشرفت کارگزاران توسعه تقسیم شد. در ابتدای دوران قاجار توسعه و پیشرفت به‌عنوان یک مطالبه عمومی تبدیل نشده بود، بلکه بیشتر حالتی تدافعی و برای مقابله با حوادث سیاسی و اجتماعی بازتعریف می‌شد. حرکت‌های اصلاح‌طلبانه اصلاح‌طلبان داخلی مانند عباس میرزا، قائم‌مقام و امیرکبیر به علت ساخت متصلب داخلی و خارجی که رویکردی تهاجمی نسبت به مسئله پیشرفت و توسعه دارند خاموش می‌شد، حرکت‌های تدافعی مانند اعتراض و حکم جهاد علما نسبت تهاجم کشورهای خارجی، تأسیس شرکت‌های اسلامی و... از این قبیل بوده است، در سال‌های پایانی حکومت قاجار مفهوم توسعه و پیشرفت در اثر شرایط سیاسی و اجتماعی و حرکت‌های فرهنگی که سال‌ها پیش‌تر شروع‌شده بود ثمر داد و انقلاب مشروطه به پیروزی رسید، انقلاب مشروطه پاسخی به عدم پیشرفت و توسعه و دست‌یابی به آن در ایران بود، هرچند به دلیل عدم تبیین صحیح مرزهای دقیق پیشرفت و توسعه و اختلاف میان کارگزاران توسعه و پیشرفت و ساخت متصلب داخلی و نفوذ ساخت خارجی عمر مشروطه کوتاه بود، اما تجربه مفید و اثرگذار برای آینده برنامه پیشرفت و توسعه در ایران بود. انقلاب مشروطه در ایران نوعی تمرین آزادی سیاسی، برابری، حکومت قانون و ... بوده است.

---

۱ فیله کش، مریم پایان‌نامه، (۱۳۹۲)، دانشگاه فردوسی مشهد.

روی کار آمدن رضاخان در پاسخ به عدم تحقق اهداف پیشرفت و توسعه در مشروطیت بود، رضاخان باهدف مدرن کردن ایران اقدام به اصلاحاتی که عمدتاً در ضدیت با مذهب بود قدم در عالم سیاست ایران گذاشت، تأکید بر دولت- ملت، از بین بردن هویت اقوام و یکدست کردن ایران، حذف دین در عرصه سیاسی و اجتماعی و تظاهر به غربی کردن جامعه با تغییر پوشش و... ازجمله این اقدامات بود، محمدرضا پهلوی نیز همانند پدر برنامه توسعه غربی در ایران را پیش گرفت، وی به‌عنوان ژاندارم منطقه باید اقدام به اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران می‌کرد که خیال آمریکا از نفوذ شوروی در ایران و جنوب آسیا آسوده می‌شد، اصلاحات ارضی نمونه‌ای از این هدف است. عوامل مختلفی در عدم توسعه در ایران در دوران پهلوی وجود دارد، حاکمیت متصلب پهلوی، حمایت ساخت خارجی از آن، عدم درک کارگزاران داخلی پیشرفت و توسعه و اتحاد میان آنان نمونه‌ای از این موانع است.

انقلاب اسلامی ایران قیامی مبنایی علیه عدم پیشرفت و برنامه‌های گزینش‌شده توسعه غربی در ایران بود، انقلاب اسلامی خواهان برنامه پیشرفت در ایران بر اساس مبانی، ارزش‌ها و آرمان‌های بومی بوده است، در دوران انقلاب اسلامی پرچم‌داران توسعه سیاسی سعی در قرائت مدرن از اسلام داشتند و خواهان نفی اسلام سیاسی و حکومت دینی در دوان معاصر بودند، آنان با تأکید بر آزادی و لیبرال دموکراسی خواهان توسعه غربی در ایران بودند، ساخت خارجی مانعی جدی بر پیشرفت سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی بود، انقلاب اسلامی تحولی ساخت‌شکنانه بر نظم جهانی بود.

فهرست منابع:

آبراهیمیان، یرواند. (۱۳۸۵). ایران بین دو انقلاب. ترجمه گل محمدی. تهران: نشر نی.

احمدی، حمید، فتاحیان، محمدحسین، ۱۳۷۹، جریان روشنفکری و روشنفکری در ایران، قم، انتشارات به باوران.

آدمیت، فریدون (۱۳۴۰) فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران، انتشارات سخن

آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۶) نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سروش.

اسپوزیتو، جان ال. (۱۳۸۸). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن. ترجمه محسن مدیر شانه چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، انتشارات باز.

استمپل، جان دی. (۱۳۷۸). درون انقلاب ایران. ترجمه منوچهر شجاعی. موسسه خدمات فرهنگی رسا.

آقا بخشی، علی (۱۳۷۴) فرهنگ علوم سیاسی، تهران انتشاران فرهنگی

امین زاده، محسن (۱۳۷۷)، «توسعه سیاسی»، فصلنامه اطلاعات سیاسی – اقتصادی، سال ۱۲، شماره ۱۱۷ و ۱۱۸.

آیت‌الله خامنه‌ای، سایت خامنه‌ای. آی آر www.khamenei.ir

ببرو، آلن (۱۳۶۷) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروجانی

برگر پیتر و لوکمان توماس (۱۳۸۷) ترجمه فریبرز مجیدی ساخت اجتماعی واقعیت رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، تهران انتشارات علمی و فرهنگی

برو، آلن (۱۳۶۷) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروجانی

بزرگی، وحید، دیدگاه‌های جدید در روابط بین‌الملل. تهران، نشر نی، ۱۳۷۷.

توحید فام، محمد و حسینیان امیری، مرضیه. (۱۳۸۸). تلفیق کنش و ساختار در اندیشه گیدنز، بوردیو هابرماس و تأثیر آن بر جامعه‌شناسی جدید، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره سوم.

حسینی، سید مهدی(۱۴۰۴)، تکانه‌های دیجیتال، ترمیدور و زندگی روزمره در ایران، تهران، فصلنامه سیاست: دوره ۵۵، شماره ۲ – شماره پیاپی ۲ تیر ۱۴۰۴ صفحه۳۷۵-۳۹۹

حقیقت، سید صادق. (۱۳۸۸). روش‌شناسی علوم سیاسی. قم: انتشارات دانشگاه مفید.

خسرو پناه، آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر، ۱۳۸۹ش، ص ۲۱۴، به نقل از شریعتی، ما و اقبال

دزمون هارنی. (۱۳۷۷). (ترجمه کاوه باسمنجی، کاووس باسمنجی). تهران: کتاب سرا.

دلیر پور، پرویز (۱۳۹۰) نوسازی و دگرگونی سیاسی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران

امری،کریستن۱۳۹۷() ترجمه محمد شمس الدین عبدالهی، تهران، ققنوس

سید رحیم ابوالحسنی (۱۴۰۴) نقش فرهنگ سیاسی در مشارکت سیاسی (مطالعهٔ موردی: آزادگان، جانبازان و خانواده‌های شاهد و ایثارگر در شهر تهران)، تهران: فصلنامه سیاست: دوره ۵۵، شماره ۲ – شماره پیاپی ۲ تیر ۱۴۰۴ صفحه۳۰۹-۳٤٤

شبستری، محمد، (۱۳۷۶)، سنت و سکولاریسم: تهران انتشارات:

شریعتی، علی مجموعه آثار، ج ۱-۲۷،

صالح، صبحی، ۱۳۷۵، پژوهش‌هایی دربارهٔ قرآن وحی. ترجمه محمد مجتهد صبحی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

صالحی وثیق، محمد رضا، ساداتی نژاد، سید مهدی(۱۴۰۴) ، **مطالعهٔ تطبیقی تأثیر فلسفهٔ هایدگر بر فردید و هانری کربن و انعکاس آن در نقد مدرنیته، بومی گرایی و معنویت اسلامی ایران معاصر**، تهران، فصلنامه سیاست دوره ۵۵، شماره ۲ – شماره پیاپی ۲ تیر ۱۴۰۴ صفحه۴۰۱-۴۳۰

عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی..

قدیانی، عباس(۱۳۹۲) قیام‌های سیاسی و مذهبی در ایران عباس تهران انتشارات یادداشت .

کاجی، حسین، (۱۳۷۸)، کسیتی ما، تهران، نشر روزنه

کاظمی، سید علی‌اصغر، (۱۳۷۶). بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر، تهران: نشر قومس.

کسروی، احمد (بی‌تا) مشروطه درباره آگاهی نابسنده علما از مفهوم مشروطه:

گرث، هانس و رایت میلز، سی. (۱۳۸۰). منش فرد و ساختار اجتماعی. (روانشناسی نهادهای اجتماعی). ترجمه، اکبر افسری. تهران: انتشارات آگه.

گلدستون، جک. (۱۳۸۷). مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها. ترجمه، محمد تقی دل‌فروز). تهران: انتشارات کویر.

لوپز، خوزه و اسکات، جان. (۱۳۸۵). ساخت اجتماعی. ترجمه حسین قاضیان. تهران انتشارات نی.

مارش، دیوید و استوکر، جری. (۱۳۸۸). روش و نظریه در علوم سیاسی. ترجمه، امیرمحمد حاجی یوسفی. پژوهشکده مطالعات راهبردی

معینی علمداری، جهانگیری. (۱۳۸۵). روش‌شناسی نظریه‌های جدید در علم سیاست. انتشارات دانشگاه تهران.

منابع لاتین:

میر سپاسی، علی (۱۴۰۰) تأملی در مدرنیته ایرانی، ترجمه جلال توکلیان، تهران ثالث

میلانی، محسن. (۱۳۸۳). شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی. ترجمه مجتبی عطار زاده. تهران: انتشارات، گام نو.

نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۸) تنبه الامه و تنزیه المله، با مقدمه و پاورقی سید محمود طالقانی، چاپ نهم. تهران: شرکت سهامی انتشار.

نجف زاده رضا، احمدرضاعلی پور اسیری (۱۴۰۴) بحران اجتماعی و سیاست تکثر؛ کثرت گرایی به منزله بحران در ذهنیت ایرانی (دوره محمد شاهی)، تهران : فصلنامه سیاست‌دوره ۵۵، شماره ۳ – شماره پیاپی صفحه۸۴۳-۸۶۷ ۳ مهر ۱۴۰۴

های، کالین. (۱۳۴۷). درآمدی انتقادی بر تحلیل سیاسی. ترجمه گل محمدی. تهران انتشارات نی.

Ball.alan (۱۹۸۸). Modern polotic and Government. british library press.

Braker. Ernest: (۱۹۷۸). priciples of socil political theory oxford un press.

Folson: frankin. (۱۹۷٦) Give me liberty Frankin. Ronald m. nally company p.

Humanities and social sciences aprilmay june۱۹۹۰ oxford. Un p.

Lenin: (۱۹۷۷). On the international working class and communist movmemnt. progress pblisher Moscow.

Oxford advanced learners dictionary ۲۰۰۵.

Plano .Roy. Olton. Jack .(۱۹۸۲) The international relations dictinery.western Michigan p.

Tunkin gigorg. (۱۹۸۱)International law/collection of articles llbProress publisher mosscow.

Bowen, G. A. (۲۰۰۹). Document analysis as a qualitative research method. Qualitative Research Journal, ۹(۲), ۲۷–٤۰. https://doi.org/۱۰,۳۳۱٦/QRJ۰۹۰۲۰۲۷

Giddens, A. (۱۹۸٤). The constitution of society: Outline of the theory of structuration. University of California Pres